

## جنبش جوچه، یک بستر و دو برسازی

محمدحسین اسماعیلی سنگیری<sup>\*۱</sup>

### چکیده

جنبش‌های اجتماعی همواره دامنه‌ی تغییرات را در ساختار دولت-ملت سرعت می‌بخشند. در شرایطی که جنبش‌های اجتماعی توسط رهبران ایدئولوژیک تدبیر شوند چگونه هویتی را ساختاریندی می‌نمایند. این دغدغه در فرایند جنبش جوچه در کره شمالی همواره مطرح بوده است پس از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون (۲۰۲۱ م) اقدامات انقلابی خانواده کیم ایل سونگ و دولت کره شمالی جهت پیشرفت کشور و متمایز شدن در صحنه بین‌المللی در چارچوب جنبش جوچه طراحی شده است. پرسش اساسی این است جنبش جوچه به منزله‌ی عنصر هویت‌ساز دولت-مردم کره شمالی چگونه دستاورد و ماهیتی را رقم زده است؟ روش پژوهش این مقاله از نوع بنیادی نظری و در شیوه نگارش توصیفی-تحلیلی است. در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، اسنادی، اینترنتی استفاده شده است. فرضیه پژوهش حاضر این جواب را با رهیافت نظری سازه‌انگاری آزمون نموده است که تدابیر رهبران ایدئولوژیک جنبش جوچه در طی بیش از چهار دهه فعالیت دو برسازی را بر قامت کره شمالی هویت‌سازی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جنبش جوچه که در ابتدا بر خوداتکایی و خودبستگی ملی هویت‌سازی می‌نمود بر اثر اقتدارگرایی داخلی و ناکارآمدی کارگزاران، همکاری دوفاکتو و موقت و شکننده با جامعه جهانی و با دولت‌های پسامدرن و قدرت‌های جهانی در عرصه بین‌المللی نهایتاً تغییر ماهیت داده و بافتار جنبش جوچه دچار تغییر ماهوی گشته است. در نتیجه با اتخاذ سیاست سانگون دچار تجدیدنظر غیرارادی و پرفشار خارجی و بین‌المللی شده است. این فرایند موجب شده است تا در عرصه‌های: اقتصاد، سیاست، روابط بین‌الملل، فرهنگ در حالتی از جمود و انزوا فرو رفته و در بن‌بست امنیتی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** برسازی، جنبش اجتماعی، جوچه، کره شمالی، هویت

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

\* sangariam2004@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

## مقدمه

با پایان سرنوشت جنگ دوم جهانی، اشغال کره پس از چهل سال توسط ژاپن خاتمه یافت. به موازات تغییر در وضعیت بین‌المللی کشور شکست‌خورده ژاپن، کشور کره نیز با تصمیم فاتحان جنگ دوم (آمریکا- شوروی) به دو قسمت: کره شمالی - کره جنوبی تقسیم شد. در سال ۱۹۴۸ م نیروهای خارجی از کره خارج شدند و قانون اساسی کره شمالی نوشته شد. اهرم حاکمیت سیاسی آن به دست خانواده کیم ایل‌سونگ<sup>۱</sup> افتاد. وی تحت حمایت شوروی و پیروی از ایدئولوژی لنین به‌مثابه اسطوره انقلابی به مدت ۴۷ سال (۱۹۴۷ تا ۱۹۹۷) قدرت فائده‌گرفته کره شمالی گردید. واکنش‌های انقلابی او علیه اشغالگران ژاپن و سپس اخراج ژاپن از سرزمین‌های کره شمالی، در واقع، با فشار بین‌المللی و نظامی شوروی و آمریکا صورت می‌گرفت، اما چون هم‌زمان با اقدامات انقلابی کیم ایل‌سونگ بود موجب افزایش مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی او می‌شد. فرایندی که زیرکانه به آن نام انقلاب می‌داد و از خود منجی و رهبر مطلق کره شمالی می‌ساخت و احتمالاً تصور بینا ذهنی خود از خویش را به جامعه و مردم کره منتقل می‌نمود.

اهداف استراتژیک کره شمالی در چارچوب جنبش جوچه توسط کیم ایل‌سونگ طراحی و اعلام شد. جنبشی که ماهیت خود را توأمان از لنینیسم، سوسیالیسم و اومانیزم اخذ نموده است. جنبش و ایدئولوژی جوچه مایه‌های اساسی اندیشه‌های سیاسی خود را وام‌دار لنینیسم و تفکرات سوسیالیستی و اومانیزستی بوده است. اهداف جنبش جوچه در ابتدا بر پایه‌ی: حفاظت و پاسداری از انقلاب، مبارزه با بیگانه و سلطه خارجی، حفظ وحدت ملی، تعیین و حق سرنوشت خود، رهایی، زندگی به‌دور از نفوذ و دخالت بیگانه و عزت‌مداری طراحی و تدوین گردیده و توسط کیم ایل‌سونگ در سخنرانی معروفش که پرده‌برداری از این جنبش را اعلام می‌نمود آشکار و ابراز شده است. بر اساس همین اهداف استراتژیک برگرفته از مکتب جوچه، قوانین اساسی کره شمالی شکل گرفته است. به‌ویژه اصول قانون اساسی دوم آن در سال ۱۹۷۲ م بازتاب‌دهنده تام و تمام اصول جنبش جوچه در شاکله قانونی آن بوده است. از این جهت

---

1. Kim Il Sung

شناخت هویت و مسائل ماهوی کره شمالی به‌خصوص در حیطه امور سیاسی، بین‌المللی و اجتماعی، به‌صورت مستقیم و معنادار به شناخت ایدئولوژی و جنبش جوچه و فرایند آن وابسته است. پس فهم جنبش جوچه و فرایند آن و اصول و آثارش به معنای فهم امور سیاسی و بین‌المللی و اجتماعی کره شمالی و پیش‌نیاز آن تلقی می‌شود؛ اما این هویت و ماهیت برساخته که معطوف به همه‌ی ابعاد اجتماعی کره شمالی بود در مسیر تکاملی خویش دچار تحولات ساختاری و هویتی گردید و برنامه‌های جنبش انقلابی مسیر خود را با تفسیر جدیدی برسازگی نمود و منافع و هویت تازه‌ای را شکل داده است که کنشگری در حیطه‌ی هسته‌ای و موشکی وجه رجحان و ماهیت تهاجمی آن شده است. مسئله اساسی این است که چگونه جنبش جوچه از خوداتکایی و استقلال‌خواهی به ماهیتی میلیتاریستی برسازگی شده و ماهیت دیگری را از خود بروز داده است.

هدف اساسی مقاله حاضر تلاش در جهت بازنمایی هویت و ماهیت جنبش جوچه به‌عنوان محور شناخت ماهیت کره شمالی و کنش‌های حال و آینده آن است. از این منظر اهمیت فهم و شناخت جنبش جوچه و فرایند دوفازگی در آن با اهمیت شناخت انگاره‌ها و ماهیت و کنش‌های حال و آینده کره شمالی مساوی و منطبق است؛ زیرا با ابتناء به جنبش جوچه نهادسازی، شکل و طریقه زمامداری، کارکردهای حزبی، امور امنیتی، مسائل و اهداف نظامی و لشگری، سازه‌های زیرین کشور در کلیه‌ی امورات قدرت و اقتدار؛ معنادار شده و تعریف و تحدید می‌شوند.

نوآوری مقاله‌ی حاضر تشریح چیستی و ماهیت جنبش جوچه و ویژگی‌ها و فرایند دو برسازگی آن و اثرات جنبش جوچه در سیاست کره شمالی و اثرات بین‌المللی آن است. ضرورتی که بر اساس آن نقاط کور ماهوی و مباحث غیر شفاف شبه‌جزیره کره و در پی آن ریشه‌های مسائل امنیتی و هسته‌ای کره شمالی تا حد نسبی مورد واکاوی قرار گرفت.

این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی تلاش دارد تا در ضمن تشریح ماهیت و فرایند جنبش جوچه، دو سؤال اساسی را مورد آزمون قرار دهد. اول آنکه جنبش جوچه دارای چه ماهیت و فرایندی بوده است؟ دوم آنکه جنبش جوچه چه تأثیرات ماهوی

ثانوی در حوزه سیاست داخلی کره شمالی و در حوزه سیاست منطقه‌ای شبه‌جزیره کره بر جای گذاشته است؟

پیشینه پژوهش نشانگر موارد زیر است: بهزاد شاهنده در مقاله خویش (۱۳۷۸) اولین تلاش‌های علمی را جهت تبیین وضعیت کشوری که با نماد قلم، چکش، داس، شناخته شده است را ارائه نموده است. او در مقاله‌اش بر حفظ ایدئولوژی جوچه و استقرار نظام موروثی و کمونیستی کره شمالی بر پایه مکتب جوچه تأکید دارد و به تطبیق وضعیت کره شمالی با کره جنوبی اهتمام ورزیده است. نوشتار او هم در این مقاله و هم در کتابش (۱۳۷۸) درصدد شفافیت دادن به بحران کره و نیز تشریح سیاست-اقتصاد کره شمالی است. همچنین محمدحسن شیخ‌الاسلامی با حسین شاه مرادی (۱۳۹۸) در مقاله خود به مقایسه ظرفیت نظامی دو کشور کره شمالی و کره جنوبی پرداخته‌اند و نشان می‌دهند که کره شمالی از نظر کمی و عامل انسانی در مقایسه با کره جنوبی وضع بهتری دارد اما از نظر کیفی وضعیت کره جنوبی به دلیل ایجاد کانال‌های ارتباطاتی فعال با دنیا بهتر و مساعدتر است و آگاهانه درصدد کاهش وابستگی امنیتی خود است. همچنین سعید کریمی کشه و عبدالعلی قوام و دیگران (۱۳۹۹) با نگاهی از دریچه جامعه‌شناسی سیاسی به تطبیق نگرش قدرت‌های بزرگ به برنامه هسته‌ای کره شمالی و ایران پرداخته‌اند و با استفاده از مفروض‌های رژیم‌های بین‌المللی این دو کشور را در موضوع برنامه‌های هسته‌ای مقایسه نموده‌اند. حسن خسروی در مقاله خود (۱۳۹۹) از منظر حقوق عمومی به تحلیل دکترین جوچه در ساختار دولت کره شمالی پرداخته است. او تلاش نموده و نشان می‌دهد چگونه مؤلفه‌های این دکترین موجب تکوین قانون اساسی اقتدارگرا و ضد حقوق بشر شده است. همچنین مقاله‌ی لی (۱۳۹۲) به فلسفه‌ی سیاسی جوچه اختصاص دارد. لی ضمن تشریح ویژگی‌های این مکتب سعی دارد کیفیت کارکرد این مکتب را بیشتر از منظر فلسفی توضیح دهد و ناکارآمدی آن را نقادی کند و پایه‌های اقتدارگرایی موجود در کره شمالی را به فلسفه و آموزه‌های مکتب جوچه مربوط سازد.

در حوزه‌ی علم سیاست و روابط بین‌الملل اکثر منابع تحقیقی در مورد کره شمالی معطوف به بحران هسته‌ای و موشکی و خطرات آن برای بشریت است. مثلاً فویینگ

(۲۰۱۷) از منظر مختلف بحران هسته‌ای و آثار آن را بررسی می‌کند و هم به وحدت دو کره پرداخته است و هم در ادامه نقش و جایگاه چین را در فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی مورد واکاوی قرار می‌دهد. تعدادی دیگر با برجسته کردن یکی از قدرت‌های جهانی (آمریکا، چین، روسیه، اتحادیه اروپا) نقش و جایگاه یکی از آن‌ها را مورد بررسی و یا مورد مقایسه با قدرت دیگر قرار داده است. تعدادی از نوشتارها به کنش و واکنش همسایه‌های کره شمالی به‌ویژه کره جنوبی و ژاپن پرداخته‌اند و همچنین به تطبیق فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی با ایران توجه نموده‌اند. اغلب منابع تحقیقی، مقالات و پایان‌نامه‌ها، تنها در بخشی کوتاه به موضوع جنبش و ایدئولوژی جوچه توجه دارند؛ و منابعی که تمرکز به مکتب، ایدئولوژی و جنبش جوچه باشند بسیار اندک است.

از این رو، مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌های سابق در مورد کره شمالی متفاوت است، چون به دلیل بهره‌وری از مفروضه‌های نظریه سازه‌انگاری به‌مثابه روش و نظریه متمایز است و توانسته است تا با روش تحلیلی - توصیفی کره شمالی را به‌مثابه بستری واحد که با کنش ایدئولوژیک جوچه دو فرایند برسازه شده را تجربه می‌نماید به ترسیم و تحلیل گذد. همچنین این مقاله از نظر موضوعی و محتوایی جدید است و در آن تمرکز بر برسازگی جنبش جوچه و پیامدهای داخلی و خارجی آن شده است.

### چارچوب نظری

برسازی یا نظریه سازه‌انگاری حاصل اشتراک دیدگاه نئورئالیسم با نئولیبرالیسم و مکتب انتقادی بوده و بیشتر وام‌دار تفکرات الکساندر ونت<sup>۱</sup> بوده است. ونت می‌نویسد: نظریه‌های اجتماعی به‌مانند سازه‌انگاری، برخلاف نئولیبرالیسم و نئورئالیسم، بازیگرها و منافع ملی نظام بین‌الملل را همچون امری معین در نظر نمی‌گیرند بلکه بیان می‌نمایند چگونه اقدام و تعاملات بین افراد و گروه‌ها سبب شکل‌گیری هویت و منافع می‌گردند و اساساً چگونه هویت‌ها بر پایه‌ی تعاملات شکل می‌گیرند (Wendt, 1992). در هستی‌شناسی نظریه سازه‌انگاری این ساختارها و هویت‌ها هستند که رفتار کنشگران (دولت یا افراد) را شکل می‌بخشند و به منفعت و به کنش آن‌ها قوام می‌دهند. در این

1. Alexander Wendt

نظریه بین ساختار و کارگزار تمایز اساسی وجود ندارد بلکه ساختارها خود نتیجه‌ی پیامد کنش‌های کارگزار هستند (مشیرزاده و طالبی، ۱۳۹۲: ۲۸۵). هویت کنشگرها بحث اصلی در نظریه سازه‌انگاری است. آنان عواملی که بر هویت تأثیر دارند را: ساختارهای غیرمادی، منافع، نقش رویه‌ها در تحول ساختار یا در حفظ ساختار معرفی می‌نمایند و بیان می‌کنند ساختار هنجاری (فکری) به سه روش، هویت و منافع را شکل می‌دهند: یا از راه تخیل (انگاره)، یا ارتباطات و یا محدودیت (مشیرزاده و طالبی، ۱۳۹۲: ۲۸۸). برداشت ساخت‌گرایی برداشتی نوین در ترسیم مدل مطالعه‌ی امنیت است. مهم‌ترین ویژگی سازه‌انگاری در حوزه‌ی هستی‌شناسی نهفته است. قبل از هر چیز هویت و منافع دولت‌ها را به نقد می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه آن‌ها از بُعد اجتماعی شکل گرفته‌اند. بر این اساس، برخلاف نو واقع‌گرایان و نو لیبرال‌ها منافع دولت‌ها را امری ساختنی می‌داند و به تبع این موضوع امنیت نیز مفهومی متحول و متمایز به خود خواهد گرفت و به همین جهت اصل تمایز به‌عنوان اصلی اساسی در دیدگاه ساخت‌گرایی به منصفه ظهور می‌رسد و سیستم بین‌الملل به‌عنوان حوزه‌های مکانی مجزایی تصور می‌گردند که در آن مفاهیم روابط بین‌الملل دارای معانی ویژه خود می‌باشند و در هر حوزه مکانی با سایر حوزه‌ها تفاوتی اساسی دارد و برداشت بازیگران و کارگزاران از آن، متفاوت از بازیگران بقیه حوزه‌های مکانی است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۳۴۸).

امنیت از دیدگاه پارادایم سازه‌انگاری					
عناصر تحلیلی	آسیب‌پذیری	چارچوب کارکردی	هدف و قاعده	تأکید	
کارگزاران:	فرد، دولت‌ها	- جامعه جهانی - دولت‌های پسامدرن	- پیشرفت - همکاری (نه توسعه)	نسبی بودن مفهوم امنیت: در شرایط زمانی و مکانی و سطوح موضوعی مختلف در نزد کارگزاران	
تهدیدات:	سیاسی اقتصادی هویتی محیطی (و نه نظامی)	- محیطی - ناکارایی در تدبیر امور (نه صنعت - نه قدرت)			

منبع: مؤلف، با تصرف و تخلص از قاسمی: ۱۳۹۳

جهان برساخته تفسیر جدیدی است که نظریه سازه‌انگاری از جهان دارد. بر این اساس منافع دولت‌ها موضوعی در حال تغییر و تکامل است و هویت‌ها معرف آن می‌باشند (عباسی اشقلی و فرضی، ۱۳۸۹: ۳۹). ونت می‌گوید هویت اجتماعی نتیجه‌ی تعامل بین بازیگراهاست و سیاست‌های بین‌المللی نتیجه هویت اجتماعی است. در تعامل اجتماعی هر دولتی ساختاری معین را تشکیل می‌دهد و به اقتضای انگاره‌ای که از خود و از دیگر دولت‌ها دارند پیام و علامت‌هایی برای یکدیگر ارسال می‌کنند سپس مبتنی بر انگاره‌ها و هویت و ساختار معنایی خویش، آن پیام‌ها و علائم را تفسیر می‌نمایند و درست بر همان اساس در عرصه‌ی بین‌المللی برای خود دوست/ دشمن می‌سازند (Wendt, 1992: 330-331).

دیدگاه اساسی ونت بر این نکته تأکید دارد که آنارشی بین‌المللی یک امر ثابت و بدون تغییری نیست و به شکل خودکار مستلزم رفتارهای دولت برای تأمین منفعت خود نیست بلکه آنارشی بین‌المللی شکل‌های متفاوت دارد؛ زیرا هویت‌ها و منافع، خود نتیجه و حاصل تعاملات هستند و قبل از تعامل وجود خارجی نداشته‌اند. در فرایند تعامل ممکن است نشانه‌هایی ردوبدل شود سپس رویه‌هایی شکل بگیرد و آنگاه کنش صورت می‌گیرد که یا به دشمنی، تهدید، ناامنی؛ و یا به دوستی، همکاری، منافع مشترک منجر خواهد شد. پس برسازگی برخلاف نئورئالیسم و نئولیبرالیسم در بحث آنارشی بین‌المللی این اصل را که آنارشی برساخت منافع و بر هویت تأثیرگذار است را نمی‌پذیرد بلکه در عوض اعتقاد دارد که در شرایط آنارشی اثر توزیع قدرت بر محاسبات دولت‌ها وابسته به فهم بینا ذهنی آن‌ها از خود و از دیگران است. پس هر نوع افزایش قدرت دیگری، تهدید نیست اما اگر دیگری دشمن تلقی شد پس افزایش قدرتش تهدید خواهد بود. در این راستا، ونت بیان می‌کند در سیاست بین‌المللی دو ساختار رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند: یکی آنارشی و دیگری ساختار هویت‌ها و منافع در نظام که البته به شکل بیناذهنی تکوین و تکامل می‌یابد (Chernoff, 2007: 70).

در این مقاله شباهت‌های سازه‌انگاری با نئولیبرالیسم و با نئورئالیسم در مفروضه‌های زیر مورد استفاده بوده است: ۱- تأثیر آنارشیسم در ایجاد محدودیت برای صلح ۲- اهمیت مشروعیت و نهادها در رفتار بین‌المللی و شناخت نظام بین‌الملل از دریچه رهبران و مردم آن کشور (از نئولیبرالیسم) ۳- اصل بقا: دولت میل به بقا دارد. ۴-

افزایش توانایی مستمر نظامی: دولت‌ها چون مطمئن نیستند که مورد حمله قرار نگیرند پس همواره توان نظامی خویش را می‌افزایند (از نئورئالیسم). از منظر برسازي، تهاجم، جذابیت بسیار کمی در رفتار بین‌المللی ایجاد می‌کند زیرا این تصور ذهنی را شکل می‌دهد که کاربرد اسلحه شیوه‌ی قابل قبول در حل مشکل است. (Kratochwil, 2006).

ناگفته نماند که سازه‌انگاری معتقد است اگر دولتی فرهنگ انزواطلبی داشته باشد، ممکن است مشارکت و اهدای امتیاز در مذاکره بسیار دشوار باشد؛ زیرا ویژگی و مؤلفه‌های نظام‌ها تا مدت‌ها پایدار می‌ماند. این واقعیت در مواجهه جنبش جوچه و دولت کره شمالی با غرب کاملاً صادق نمود یافته است در عین حال هویت برسازه شده‌ی خود را پوشیده داشته است.

#### اصول و ماهیت ایدئولوژی و جنبش جوچه

واژه جوچه از ترکیب دو بخش جو<sup>۱</sup> به معنای: صاحب، دارنده، برتر، دارا، مالک؛ و چه<sup>۲</sup> به معنای: بدنه، قسمت اساسی، ساختار، تشکیل شده است. معنای لغوی جوچه عبارت است از: خودمحوری، خود استواری، خودبستگی، اهمیت اولیه به خویشتن. همچنین معنای اصطلاحی جوچه عبارت است از: خودبستگی ملی، خود سرنوشت‌سازی، خود اختیاری در حوزه سیاست، ملیت محوری، اجنبی هراسی، رهایی و قطع وابستگی (محمودی، ۱۳۸۶: ۷۶). از منظر گفتمانی مفهوم جوچه در معنا و به مفهوم خودانگیزی استوار است.

از نظر تاریخی در دسامبر ۱۹۵۵ م برآیند اندیشه‌ها و تفکرات کیم ایل سونگ رهبر کره شمالی منتج به نظریه‌ای شد که آن را مکتب و یا دکترین جوچه نام گذاشتند. سپس در دسامبر ۱۹۶۷ م اصول جنبش جوچه پرده‌برداری شد. کیم ایل سونگ در فرایند پیدایش مکتب جوچه، در نامه‌ای به مجلس عالی کره شمالی این‌گونه اهداف آن را بیان می‌نمود: ۱- انهدام فرمالیسم و تعصب در رفتارهای ایدئولوژیک ۲- قطع وابستگی به هر قدرت و نفوذ خارجی ۳- ساخت انقلابی کشور و اولویت اقدامات انقلابی ۴- اتکای

1. Zhu

2. Che (ti)



کامل به خودیاری و داشته‌های خویش ۵- باور تام و تمام به توان، ظرفیت، اقتدار خویش برای تحقق آرمان‌های انقلاب ۶- اصل خودیاری و مسئولیت‌پذیری: ایمان به اینکه مشکلات خود را در هر شرایطی می‌توانیم حل کنیم؛ بدین گونه کارگزاران اصلی جنبش جوچه هویت آن را متأثر ساخته و ساختار آن را شکل می‌دادند (Oberdorfer, 1997: 401).

"اجازه دهید از آرمان‌های انقلاب، استقلال، خوداتکایی، دفاع ملی در همه‌ی امور دفاع کنیم". با این جمله کیم ایل‌سونگ رهبر کره شمالی در خطابش برای مجلس عالی خلق، اصول جنبش جوچه را در شانزده دسامبر ۱۹۶۷ پرده‌برداری نمود. اصول اولیه آن عبارت بوده است از: حرکت و مسیر دولت جمهوری کره شمالی به سوی استقلال، خوداتکایی، استقامت، دفاع ملی خواهد بود تا آنکه به استقلال سیاسی<sup>۱</sup> برسد. همچنین می‌گفت: ستون‌های استقلال اقتصادی کشورمان را محکم‌تر می‌سازیم، در جهت تضمین و تأمین وحدت و خوشبختی خلق<sup>۲</sup>. همچنین می‌افزود: ظرفیت و قابلیت دفاع ملی کشورمان را به‌منظور تأمین امنیت متکی بر نیروهای خودی افزایش می‌دهیم<sup>۳</sup>؛ شکوهمندانه ایدئولوژی حزب خود را در همه‌ی سطوح زندگی متحقق می‌سازیم. این یعنی: جوچه<sup>۴</sup> (Lee, 2003: 106)؛ اما در سال ۱۹۷۲ اصول سه‌گانه‌ی مکتب جوچه در قانون اساسی جدید جمهوری دموکراتیک کره شمالی به‌منزله‌ی ساختار غیرمادی جنبش جوچه رسمیت یافت. از آن‌پس اندیشه و مکتب جوچه به شکل فراگیر از شاکله ایدئولوژیک به شکل جنبش اجتماعی مبدل شد. به این معنا که همه‌ی ابعاد زندگی جمعی و فردی کره شمالی و رویه‌های ساختاری آن را در برگرفت و تبدیل به ارزش و هنجار والای اجتماعی و آیین مقدس گردید. پس آنگاه اراده هر انسان کره‌ای در امتداد و در طول اراده‌ی رهبر کیم ایل‌سونگ مبتنی بر اهداف و اصول جنبش جوچه معنادار و ارزشمند شده است. مسیر خوشبختی منطبق بر ارتباط بینا ذهنی رهبریت و آرمان‌های با ملت او ترسیم شده است و بر این اعتقاد است که حتماً به قدرتمندشان و آسمانی گردیدن منتهی خواهد شد.

1. Chaju
2. Charip
3. Chawi
4. Juche

برنامه‌های تبلیغاتی در فرایند کنش‌های جنبش از دهه هفتاد میلادی همواره انگاره‌های ذیل را مورد تأکید و تدوین قرار داده است: ۱. انسان‌محوری ۲. استقلال و خودمحوری ۳. خود اختیاری ۴. اعتماد به نفس و خویشتن‌مداری ۵. استقلال اراده به‌عنوان زیربنای حرکت ۶. رهبر کره یعنی زندگی‌بخش و سعادت‌بخش ۷. هدف انسان کره‌ای تابعیت محض از رهبری ۸. زندگی واقعی و آزادی درگرو الهام و توسل به رهبر (Nami, 2006: 2). نتیجه عملی آن در سطح خارجی و بین‌المللی و منطقه‌ای شبه‌جزیره کره و همچنین در سطح داخلی، جهان‌برساخته‌ای با این ویژگی‌ها را پیام‌رسانی نموده است و ساختار معنایی خویش را از آن مورد تفسیر قرار داده است: ۱. انگاره، اندیشه و فکر دیگری (نو، جدید، یا منتقد و مخالف) در داخل کشور فرصت، جایگاه و مجال ندارد.

۲. مقدس‌سازی رهبریت و اصول جنبش جوچه و اقدامات حزب حاکم، نوعی نظام اقتدارگرایی را در کره شمالی برساخته است. تصمیمات متخذه از این شاکله منطقه شبه‌جزیره و نظام بین‌الملل را متأثر می‌سازد.

۳. حاکمیت منو ایدئولوژیک و تک‌صدایی برسازه شده تمام فعالیت‌های اقتصادی را قبضه نموده و وجه تعیین‌کنندگی امور در حوزه‌ی سیاست را مبتنی بر اهداف جنبش جوچه به شکل تکامل یافته معطوف به فعالیت نظامی و تسلیحاتی ساخته است.

۴. اقتدارگرایی ایدئولوژیک با پوشیدن لباس نظامی‌گری و هسته‌ای شدن جهت نیل به امنیت، شکل جدیدی از رژیم‌های سیاسی قرن ۲۱ را متبلور ساخته است که رویکرد داخلی آن معطوف به رهبر و اراده اوست و در این جمله خلاصه می‌شود: کیم یعنی کره، کره یعنی کیم<sup>۱</sup>، (Trifoi, 2017: 6). البته رویکرد خارجی آن معطوف به برساختگی جنبش جوچه از مفهوم دیگری به معنی دشمن است و مواجهه با آن دشمن باهدف عدم حضور یا عدم مشارکت یا عدم وحدت، البته به‌زور تهدیدات واقعی و با بکارگیری تسلیحات هسته‌ای و موشکی.

این تبدیل و تغییر یک‌باره اتفاق نیافتد بلکه در دو فرایند هویت یافت. در مرحله اول در سال ۱۹۴۸ اولین قانون اساسی کره شمالی مصوب شد. سپس در ۲۷ دسامبر سال

1. Kim was Korea and Korea was Kim.

۱۹۷۲ با سلطه حزب حاکم یعنی حزب کارگر کره شمالی<sup>۱</sup>، با تغییرات ساختاری به تصویب جدیدی رسید. این مسیر تغییر در اصول قانون اساسی همچنان تکرار شد و استمرار یافته است. به گونه‌ای که در طی سال‌های: ۱۹۹۲-۱۹۹۸-۲۰۰۶-۲۰۰۹-۲۰۱۰-۲۰۱۳-۲۰۱۶-۲۰۱۹، مورد بازنگری مستمر واقع شد و مبتنی بر خواستگاه‌های ایدئولوژیک و انقلابی کیم ایل سونگ و میراث‌داران جنبش جوچه مورد تفسیر جدید قرار گرفت.

توجه به متن قانون اساسی کره شمالی به‌طور صریح به مکتب جوچه و ایدئولوژی و جنبش اجتماعی جوچه تصریح و تأکید دارد. به‌عنوان مثال در مقدمه‌ی قانون اساسی کره شمالی هفت‌بند وجود دارد که در هر هفت‌بند واژه‌ی مکتب جوچه قید و ذکر شده است: در بند اول می‌خوانیم: ۱- ایدئولوژی جوچه ماهیت قانون اساسی را شکل می‌بخشد و همه‌ی امور کشور از قانون‌گذاری تا زمامداری، فرهنگ، اقتصاد، امور تربیتی از آموزه‌های کیم و مکتب جوچه پیروی می‌نماید. همچنین در متن اصول قانون اساسی اصل‌های: ۳- ۲۶- ۴۳- ۵۰ و ۵۲ مکتب و جنبش جوچه صراحت و تأکید دارد. مثال: ماده ۵۰: دولت، اهداف ایدئولوژیک جوچه را در همه پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی نهادینه می‌سازد. نظام رهبریت در صدر امورات کره شمالی قرار داشته است. بر اساس ایدئولوژی جوچه برترین جایگاه، مقام رهبریت بوده او کلیت ساختار کشور را مدیریت می‌کند (shamoradi and sheikh al-islam, 2018).

نظام رهبری کره شمالی به اقتضای فهم بینا ذهنی از خود و از دیگران، به ملت و مردم هویت می‌بخشد. نظام رهبریت کره شمالی در خانواده کیم به‌صورت موروثی و در حزب کارگر خلق کره شمالی<sup>۲</sup> تبلور یافته است. رهبران موروثی کره شمالی عبارت بوده‌اند از: ۱- کیم ایل سونگ، ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۴ م، وی توسط پارلمان انتخاب شده و با عنوان: رئیس‌جمهور و سپس رهبر کبیر انقلاب مدت ۴۹ سال حاکم بود. ۲- کیم جونگ ایل، ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱ م، وی توسط پارلمان انتخاب شد و با عنوان: رهبر محبوب خلق به مدت ۱۷ سال حاکم بود. ۳- کیم جونگ اوون، ۲۰۱۱ تاکنون (۲۰۲۱ م) حدود ۱۰ سال

1. The Workers' Party of Korea (WPK)  
2. The Workers' Party of Korea (WPK)

حاکم است. این سه تن (پدربزرگ - پدر - پسر) وارثان بزرگ و رهبران کره شمالی بوده‌اند (Encyclopedia, 2020: 6). رهبر به دلیل اختیارات مطلق مبتنی بر قانون اساسی که دارد اقتدار و قدرت کره شمالی را در دست گرفته است. او رهبر عالی، رئیس، دبیر اول حزب و مقام ارشد در حزب کارگر بوده و دستورات وی بر ساختارهای کشور تقدم و اولویت دارد. چنانچه با توافق اوست که اعضای اصلی در حزب مشخص شده و به‌عنوان نامزد در انتخابات مجلس حضور می‌یابند. برای حضور و مشارکت در نهادهای قضایی و اجتماعی و اداری در استان‌ها و شهرها نیز همین روال وجود دارد (Murray, 2020: 4). نظام رهبری برای حفظ بقا در فضای آنارشیک نظام جهانی مبتنی بر حفظ اصول جنبش جوچه طراحی گردید و اذعان داشته که آنارشی نظام جهان قابلیت تغییر دارد از این نظر تغییر هویت جنبش و برساختگی نوین آن اجتناب‌ناپذیر شده است. برساختگی تغییر یافته در مسیر تکاملی خویش مبتنی بر قدرت نظامی مطلق با راهبرد سانگون طراحی شده و به اجرا درآمده است.

این پرسش جا دارد که در مکتب جوچه در برسازه‌های اولیه چه انگاره‌ها محوری بوده و آن انگاره‌ها را چگونه به شکل بینا ذهنی در اندیشه و باور مردم کره شمالی منتقل نموده است و از آن‌ها اطاعت و باور و عمل و کار و وفاداری دریافت می‌نموده است؟ ایدئولوژی جوچه در مقام پاسخ از انگاره‌های خود این چنین تفسیری دارد: استقلال، بخش غیرقابل انفکاک در طبیعت و سرشت انسان و در ذات هر بشری است. مبارزات طبیعی و سپس تعارضات اجتماعی انسان در تاریخ همواره برای رسیدن به استقلال بوده است.

سپس در مقام ایجاد ارتباط و در عین حال ایجاد محدودیت می‌افزود: در ایدئولوژی مارکسیسم، نقش ابزار تولید نقش تعیین‌کننده و محوری برای آنان و جامعه است. از آن منظر رشد و تکامل تاریخ از یک وجه به وجه دیگر به رشد و تکامل ابزار تولید بازبسته است؛ اما در ایدئولوژی جوچه این کانون تحلیلی و فلسفی مارکسیسم فرومی‌ریزد و قابل قبول نیست؛ بلکه استدلال می‌شود که خود ایدئولوژی مارکسیسم - لنینسیم آگاهانه راه رسیدن به کمونیسم را به شرایط بومی و فرهنگی و ملی هر کشور گره زده است. راه رسیدن به کمونیسم راه واحد نیست بلکه بر اساس ویژگی‌ها و شرایط هر کشور متفاوت

است. مشی ایدئولوژیک پیروی از مسیر کمونیستی کشور کمونیست دیگر نیست بلکه هر کشوری راه و مسیر خاص خود را برای تکاپو و جنبش دارد. پس آیین کمونیسم بومی، آیین مقدس کره شمال است. از این رو، کره شمالی راه کمونیسم شدن خاص خود را خواهد پیمود و مقلد کشورهای رفیق کمونیست نخواهد بود و در این راه به شکل مستقل عمل خواهد نمود (ملک‌آبادی، ۱۳۶۶: ۸۳).

در همان حال، هر دو کشور رابطه‌ی خاص و نزدیک ایدئولوژیک و قراردادهای سیاسی و اقتصادی و نظامی با کره شمالی حفظ کردند و کره شمالی ملزم به انتخاب یکی علیه دیگری نشد. بر اساس ایدئولوژی جوچه از اواخر دهه ۱۹۶۰ م تصمیم جدی بر اجرای اندیشه‌های ایدئولوژیک مستقلانه جوچه در بحبوحه اختلافات چین/ شوروی استارت خورد. نظام رهبریت کره شمالی ایدئولوژی و اصول جوچه را در سطح کشور و بین اعضای حزب و تمام مردم گسترش داد و تصمیم گرفت موضع مستقل ایدئولوژیک داشته باشد. در حوزه‌ی سیاست خارجی، کره شمالی قبل از دهه ۱۹۶۰ م تنها با کشورهای کمونیست دنیا به‌ویژه با چین و شوروی ارتباط سیاسی و دیپلماتیک داشت، اما از این پس تصمیم گرفت تا با دیگر کشورهای جهان و کشورهای غیر کمونیست ارتباط سیاسی و فرهنگی برقرار کند. طراحی یک استراتژی جدید طی ۱۰ سال یعنی تا سال ۱۹۷۰ م برقراری و ایجاد روابط دیپلماتیک با ۹۰ کشور دنیا را برای کره شمالی حاصل کرده و به بار آورد (محمودی، ۱۳۸۶: ۷۷)؛ و این مدیون انگاره‌ها و برسازنده‌های موج اول جنبش جوچه بود.

در حوزه فرهنگ، آموزش، تعلیم و تربیت، ایدئولوژی جوچه با تغییر در آرمان‌های چپ، برای همه مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تعلیمی، طرح برنامه‌ی جامع ریخت. کتاب‌ها در سطوح مختلف تدوین و تألیف شد. نظام رهبری کره شمالی بر اساس ایدئولوژی جوچه ضمن اجباری کردن آموزش همگانی، برای توسعه در امور صنعت و کشاورزی، امور دفاعی و اجتماعی تعیین برنامه و تشریح وظیفه نمود. جالب توجه است که جنبش جوچه برای صدور انقلاب چپ، برنامه‌ریزی برون‌مرزی و فرهنگی داشته و در طی سال‌های دهه ۱۹۶۰ اقدام به تأسیس انستیتو ایدئولوژی جوچه نمود. ابتدا در سال ۱۹۶۹ در کشور مالی آن را تأسیس نمود. افتتاح دومین انستیتو، در

کشور گینه و تأسیس کمیته‌ی مطالعات منشور انقلاب سوسیالیستی در ماداگاسکار سومین آن بوده است. آنگاه تعداد مراکز آموزشی و ایدئولوژیک جوچه همچنان در داخل و خارج کشور افزوده شد. به طوری که در اوایل سال ۱۹۸۰. م تعداد آن‌ها به ۱۵۰۰ مرکز رسید. در راستای نشر و تبلیغ ایدئولوژی جوچه، سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی هم برگزار می‌شد تا هم به طرفداران خود بیفزاید و هم بتواند پایگاه‌های نفوذ ایدئولوژی چپ مارکسیستی - ولو بومی - را وسعت بخشد (ملک‌آبادی، ۱۳۶۶: ۸۳).

اما ناگهان این سیر افزایشی متوقف شد از فروغ موج اولِ برسازه‌ها کاسته شده و سپس کم و کمتر گردید و به صفر رسید؛ زیرا بین منافع دولت‌های مرتبط با منافع رهبر و کادر رهبری کره شمالی تناسب و وفاق حاصل نمی‌شد و در واقع مواجهه با مشکلات مالی و اقتصادی شده بود و در مواجهه با مشکلات بین‌المللی خود را ناگزیر می‌دید وارد برسازه دوم شود و پیام‌های جدید مبتنی بر ساختار معنایی جدید خود در عرصه بین‌المللی ارسال نموده و رفتار دیگری داشت. می‌توان مدعی شد که کره شمالی برسازگی دومی را آغاز نموده بود. برساختی که همچنان ایدئولوژی جوچه عامل و دلیل آن بوده است. مقوله‌ای که در ادامه بحث این مقاله تبیین می‌شود.

#### ماهیت یک بستری و دو برسازه‌ی جنبش جوچه

فرایند تکاملی ایدئولوژی جوچه در کره شمالی به‌عنوان یک بستر واحد اما و سپس به شکل جنبش اجتماعی در برسازه ثانویه خویش در مؤلفه‌ها و شاکله‌ی زیر تبلور یافته است:

۱. رهبری مطلقه‌ی کیم جونگ‌اون به‌مثابه ارزش محوری. ۲. پیروی مطلق از اصول و ایدئولوژی جوچه به‌مثابه جنبش اجتماعی. ۳. راهبرد سانگون به‌مثابه اولین اولویت نظامی‌گری کشور. ۴. راهبرد سنگبون به‌مثابه نظام بندی طبقاتی کشور. ۵. سلطه‌ی کامل حزب کارگر کره شمالی و نمایندگانش بر همه‌ی ارکان و منصب‌ها و پست‌های کشور.
۶. تمرکز قوای کشور در قدرت عالی‌ه شخص رهبر: رهبر عالی، نماینده خلق کره، ریاست همیشگی قوه مجریه، رئیس و دبیر کل حزب، ریاست کمیسیون‌های دفاع،

فرمانده کل ارتش، فرمانده کل امور امنیتی و اطلاعات. ۷. سلطه کامل رهبران حزب بر قوه مقننه و فرایند قانون‌گذاری و تابعیت قضات کشور از آنان.

شهروندان وفادار به جنبش جوچه می‌توانند عضو حزب و سپس احتمالاً کاندیداتور انتخاباتی شوند. هر سه حزب فعال عمدتاً به شکل ائتلاف و به نام جبهه دموکراتیک برای اتحاد مجدد میهن<sup>۱</sup> اصول مکتب جوچه را تعقیب می‌کنند و تلاش دارند تا مردم کره شمالی را در قالب انبوه توده‌وار همگن‌سازی نمایند. رژیم تک‌صدایی در تریبون مجلس کره شمالی بانگ وحدت و استقلال ملی سر می‌دهد. تک‌قوایی مطلق جای تفکیک قوا را گرفته است. قوای متعدد در رژیم رهبریت تجمع شده‌اند. همه پُست‌های مدیریت و کنترل‌گری در دستان رهبر کره شمالی و حزب کارگر رهبریت می‌شود؛ اما چگونه؟ رهبر کره شمالی اعضای قوه مقننه را که همه عضو حزب کارگرند تعیین می‌کند. چون نمایندگان مجمع خلق کره شمالی (مجلس) با ۶۷۸ نماینده، اعضای سه حزب حکومتی (حزب سوسیال دموکراتیک، حزب چون دویی چون گو، حزب کارگر)، به مدت ۵ سال هستند (Inter- Parliamentary Union, 2020: 1).

چون قوه مجریه توسط رهبر و با کنترل حزب کارگر تعیین و تأیید می‌شوند و رئیس قوه مجریه رهبر کشور (رئیس‌جمهور) است. اساساً قوه مجریه از دو بخش: ۱. شورای امور دولتی ۲. کابینه، تشکیل می‌شود؛ و رئیس کشور (رئیس‌جمهور) تمام امور اجرایی را در دست خود دارد؛ و از آنجاکه رهبر کره شمالی فرمانده کل ارتش و قوای مسلح است او رئیس همه‌ی کمیسیون‌های دولتی و پارلمانی است (Inter- Parliamentary Union, 2020: 2). ارتش کره شمالی پاسدار اهداف انقلاب است و تکلیف و وظیفه دارد که محور خوداتکایی در عرصه‌ی دفاع ملی را تحقق ببخشد. اقتدار رهبریت کره شمالی به کارکرد موفقیت‌آمیز ارتش گره‌خورده است. ارتش کره شمالی حدوداً ۱/۵ میلیون نفر پرسنل آماده‌به‌خدمت و حدود هفت میلیون نفر عضو ذخیره دارد. زنان کره شمالی ۷ سال و مردان ۱۰ سال زیر خدمت نظام هستند و با این خدمات وفاداری خود به جنبش و ایدئولوژی جوچه را استحکام می‌بخشند. اصل پاسداری در کره شمالی در برابر بیگانه و دفاع همگانی از ویژگی‌های جنبش جوچه به خود شکل

1. Democratic Front for the Reunification of the Homeland

نهادینه و برسازه شده داده است. دولت و جامعه کره شمالی به سیاست راهبردی نام سیاست سایگون گذاشته است. سیاست راهبردی دیگری نیز برسازه شده است به نام سیاست سونگون. این سیاست بیانگر اتحاد آهنین بین سه رکن: مردم + حزب کارگر + ارتش است تا در یکپارچگی آن‌ها خلل وارد نشود (Tudor and Pierson, 2020).

رژیم کره شمالی بر اساس برسازه‌های ذهنی و ایدئولوژیک خویش، دشمن‌های اصلی کشور را سه کشور خارجی معرفی و مستمراً با آن‌ها معاندت دارد: آمریکا، ژاپن، کره جنوبی. انگاره‌ی شناختی و هنجاری کره شمالی واکنش، دشمنی و اقدام مخالف با این سه کشور است. نتیجه رفتار طراحی شده و اعمال سیاست سانگون، همانا امنیتی شدن جامعه و میلیتاریستی نمودن کره شمالی در سیاست خارجی بوده است. در سیاست داخلی، مخالفان شدیداً مورد سرکوب واقع شده‌اند؛ و جامعه مدنی رمقی ندارد؛ و کشور کاملاً نظامی و ارتشی شده است. حال جای این پرسش احتمالی است که حاکمیت کره شمالی بودجه‌ی مخارج سنگین امور هسته‌ای - نظامی و موشکی و شیمیایی خود را از کجا و چگونه تأمین می‌نماید؟ به اصطلاح سیاسی کره شمالی چگونه کمربند دفاعی خود را می‌بندد؟ به نظر می‌آید همه سرمایه‌های اجتماعی - اقتصادی در خدمت اهداف رهبریت کره شمالی هزینه می‌شود. بر اساس رکن سوم از اصول جنبش جوچه مبنی بر خوداتکایی در دفاع ملی، کل بودجه کشور در درجه اول مصروف امور نظامی، هسته‌ای و اتمی، موشکی (بالستیک) و شیمیایی است. جامعه و مردم در درجه دوم اهمیت قرار دارند (خسروی، ۱۳۹۹: ۲۱).

ساختار اجتماعی کره شمالی به شکل سلسله مرتبه‌ای و در طول برسازه شده است؛ یعنی منطبق بر اصول ایدئولوژیک مکتب جوچه و در طول به شخص رهبر و تصمیم‌های کادر رهبریت منتهی می‌گردد. از نظر روان‌شناسی سیاسی نوع خاصی از پیام‌ها به مردم و جامعه کره شمالی به شکل پی‌درپی و مستمر ارسال شده و تبلیغ رسانه‌ای می‌گردد. همواره به مردم گوشزد می‌شود که شالوده جنبش جوچه مبتنی بر تحقق استقلال در سیاست و اتکای به خویشتن است (Trifoi, 2017: 6). هدف نهایی این پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای پیروی و تبعیت محض و در اختیار گرفتن اراده نیروهای اجتماعی وفادار بوده است. باورهای اجتماعی با تبلور ستایش هرروزه خدمت



رضایت‌آمیز، این هدف‌گذاریِ روانی - اجتماعی را پاسخ داده است. تا جایی که نیروهای اجتماعی مسکوت و ثابت و ساکت، وادار به اطاعت و پیروی محض شده‌اند. تحقق رژیم بسته سیاسی، مجال و فرصتِ ایفای نقش به منتقدان و مخالفان نداده است. سرکوب پی‌درپی، مجازات مخوف، ترس و وحشت همه‌گیر، جایی برای انتقاد، فکر نو، حضور آپوزیسیون باقی نگذاشته است و سانگون به‌مثابه استراتژی راهبردی کره شمالی بر همه امور غالب و مستولی شده است و کاملاً همه امور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

۸۵

### سیاست راهبردی سانگون

راهبردی که بر اساس برسازه‌های مکتب جوچه هم در دوره‌ی حاکمیت کیم جونگ ایل و سپس هم به شکل تکامل یافته در دوره کیم جونگ اوون دنبال شده است. بر اساس راهبرد سانگون در رأس همه امور کشور امور نظامی و ارتقای قدرت دفاعی کره شمالی و نظامی‌گری (هسته‌ای شدن - موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و زیردریایی) قرار گرفته است. در تشریح این راهبرد و استراتژی نظامی شرح موارد ذیل قابل توجه است:

در ژانویه ۱۹۹۵ استراتژی سانگون توسط کیم جونگ ایل پرده‌برداری شده و اولویت سیاست‌گذاری نظامی مبنای تکمیل‌کننده‌ی جنبش جوچه اعلام گردید. ارتش انقلابی خلق قدرت محرکه کشور تعیین شده و به شکل نظام‌مندی برنامه‌اش تثویز شده است (Miyeong, 2009). اصول سه‌گانه راهبرد سانگون عبارت است از: ۱. تعهد و ذوب شدن در رهبر به شکل مطلق و بدون هیچ قید و شرط، ارتش تا آخرین نفس با رهبری ست. با او زنده و پیش از رهبر جان می‌سپارد. ۲. ارتش به اهداف خود می‌رسد به هر قیمت. ۳. ارزش برای امور ارتش است و هر ارتشی برخوردار از روح فداکاری است و فداکاری برای رهبریت بالاترین ارزش ملی است. بر اساس سیاست راهبردی سانگون همه امور کشور حتی تمام فعالیت‌های اقتصادی معطوف به صنعت نظامی و دفاعی است. برنامه‌ریزی کشور به سمت و جهتی است که حتی برنامه‌های درسی



مدارس و دانشگاه‌ها پشتیبان صنعت نظامی کشور بوده و در برنامه درسی خود، آموزش نظامی اجباری برنامه‌ریزی شده است (Han Park, 2007).

درباره دلیل این سیاست‌گذاری کیم جونگ ایل خود در ژانویه ۱۹۹۷ این‌علاقم را ارسال نموده و بر اساس انگاره‌های خویش آن را این‌گونه مورد تفسیر قرار می‌دهد: اگر به ارتش قوی تجهیز نشویم درحالی‌که توسط امپریالیسم در محاصره و تحریم هستیم باید هر لحظه منتظر فروپاشی خود باشیم، همان‌طور که در تعدادی از کشورهای سوسیالیست مشاهده نموده‌ایم که بدون شلیک یک گلوله سقوط کردند. اگر ارتش قوی نداشته باشیم مردم قوی نخواهیم داشت کشوری سوسیالیست و حزب کمونیست نخواهیم داشت. پس ارتش قوی یعنی حزب، یعنی دولت، یعنی مردم (Miyeong, 2009). از سال ۱۹۹۸ به بعد بر اساس تخمین به‌طور متوسط همواره بالای ۷۵ درصد بودجه کره شمالی هزینه نظامی‌گری شده و این موضوع کره شمالی را در رأس نظامی‌ترین کشور دنیا قرار داده است (De Rochi, 2011: 6). کره شمالی امنیت خود را با اولویت و ارتقای صنعت میلیتاریستی تأمین می‌نماید و تمام توان کشور را مصروف قدرت هسته‌ای و موشکی ساخته است. از این‌رو، توسعه اقتصادی و تأمین امور زندگی و رفاهی و زیست‌محیطی و بهداشتی مردم در آینده و در سایه پیشرفت قدرت هسته‌ای و موشکی احتمالاً قابل تحقق خواهد شد (US Department of Defence, 2013: 10).

در دوره‌ی کیم جونگ اوون و در سال ۲۰۱۶ آزمایش هسته‌ای کره شمالی با موفقیت به انجام می‌رسید و دنیا را متعجب و غرب را هراسان می‌ساخت. به‌گونه‌ای که طی ۱۰ سال یعنی از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۶ کره شمالی ۶ آزمایش هسته‌ای موفق به انجام رساند. درحالی‌که در فوریه ۲۰۰۵ مسلح به سلاح هسته‌ای شده بود، در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۰۶ به آزمایش زیرزمینی سلاح هسته‌ای به شکل موفقیت‌آمیز دست‌یافت. دلیل آن این‌که چند روز بعد از این آزمایش، آمریکایی‌ها در اطراف فضای هوایی کره شمالی مواد رادیواکتیو یافتند و از آن خبر دادند (Han Park, 2007: 22). در هر آزمایش هسته‌ای قطعنامه محکومیت آن از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد اما کره شمالی همچنان ادامه داد به‌گونه‌ای که در ۲۵ مه ۲۰۰۹ و سپس در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ و سپس ۶ ژانویه ۲۰۱۶ و سپس در تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۱۶ این ماجرا تکرار شد.

در ژانویه ۲۰۱۶ به هنگامی که کره شمالی چهارمین آزمایش هسته‌ای خود را به انجام رساند دور جدیدی از توجه جامعه جهانی به آن خیره شد. همچنین کره شمالی در مورد تکامل صنعت موشکی همان استراتژی سانگون را پیش برده است و خود را به سلاح هسته‌ای مجهز کرده است. در سال ۲۰۱۶ میلادی قطعنامه‌های شماره: ۲۲۷۰ و ۲۲۷۶ و ۲۳۲۱ و در سال ۲۰۱۷ میلادی قطعنامه‌های شماره ۲۳۴۵ و ۲۳۷۱ در محکومیت تسلیحات موشکی کره شمالی از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد از آن جمله است (شیخ‌الاسلامی، شاه‌مرادی، ۱۳۹۸: ۴۹). (شکل شماره ۱ را ملاحظه فرمایید).

۸۷

دوره‌های فعالیت نظامی و هسته‌ای کره شمالی را بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ (دقیقاً تا ۲۹ مارس ۲۰۲۰) می‌توان به دو دوره تقسیم نمود: مرحله جنگ/مرحله دیپلماتیک. در مرحله‌ی جنگ یعنی طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷. م کره شمالی سه آزمایش هسته‌ای و چندین آزمایش موشکی به انجام رساند و با واکنش منفی و غیر موافق کلیه‌ی قدرت‌های جهانی و شورای امنیت مواجه شد. به‌گونه‌ای که دولت اوپاما و سپس ترامپ تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه را علیه آن اعمال کردند، ترامپ سیاست حداکثر فشار را پی گرفت. شورای امنیت و از آن جمله با رأی چین و روسیه، سه تحریم جدید و قطعنامه الزام‌آور برای متوقف نمودن آن صادر نمود حتی دولت ترامپ بر احتمال حمله نظامی و پیشگیرانه علیه کره شمالی تأکید کرد (Congressional Research Service, 2016-2020)؛ اما کره شمالی همچنان بر سیاست نظامی‌گری سانگون پا فشرد و ادامه داد (شکل ۱- جدول زمانی آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی بالستیک کره شمالی را ترسیم و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد را طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد)؛ اما در مرحله دوم، یعنی مرحله دیپلماتیک که از اوایل سال ۲۰۱۸. م آغاز شد در واقع، طی یک دوره‌ی ۱۸ ماهه کیم جونگ‌اوون ۱۲ اجلاس سران را با رهبران قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برگزار نمود: ۵ جلسه و دیدار با رئیس‌جمهور چین شی جین‌پینگ، ۳ جلسه و دیدار با رئیس‌جمهور کره جنوبی مون جائه‌این، ۳ جلسه با رئیس‌جمهور آمریکا ترامپ و ۱ جلسه و دیدار با رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین. کیم جونگ‌اوون در این ملاقات علناً اظهار می‌داشت که کاملاً در جهت هسته‌ای زدایی کره شمالی خواهد بود. او متعهد می‌شد که در کوران مذاکرات و گفتگوها از



انجام آزمایش‌های هسته‌ای و موشکیِ دوربرد اجتناب کنند و همچنین اینکه جانب توافق با برچیدن مرکز تحقیقات علمی - هسته‌ای یونگیون داشته باشد (Congressional Research Service, 2016-2020) (شکل ۱- نگاه کنید به لوزی آبی‌رنگ - سپتامبر ۲۰۱۸- و ۱۹ سپتامبر. نکته: آزمایش‌های موشکی شامل دستگاه‌های برد بلند، میان برد و برد کوتاه است). با آنکه توافق سه‌جانبه‌ی ابتدایی بین کره جنوبی + کره شمالی + آمریکا برای تحقق رژیم صلح مطرح می‌شد؛ ترامپ یک‌جانبه رزمایش‌های مشترک نظامی آمریکا و کره جنوبی را لغو می‌کرد، دو کره (جنوبی - شمالی) توافق‌نامه اعتماد در حوزه نظامی سازی و کاهش تنش طراحی می‌کردند و در رسانه‌ها درج می‌شد، اما از ژوئن ۲۰۱۹ امیدها کم‌فروغ شد و دیگر دستیابی عملی و اجرایی مشاهده نگردید. تمایل و اقدام از جانب کره شمالی برای انجام و پیگیری مذاکرات کم و کمتر شد و فقط از آن پس یک دور مذاکره بیشتر به انجام نرسید. خودداری مقامات کره شمالی از مذاکره گویای اولویت سیاست نظامی‌گری سانگون از سال ۲۰۲۱. م می‌تواند باشد زیرا از ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۰. م به بعد کره شمالی به افزایش مجدد توانایی نظامی خود همچنان روی آورد و بر آن پا فشرد. در یک سیگنال احتمالی که ممکن است فاز دیپلماتیک داشته باشد کیم جونگ‌اون در دسامبر ۲۰۱۹. م اعلام نمود برای خفه کردن فعالیت هسته‌ای و موشکی هیچ زمینه‌ای برای کره شمالی وجود ندارد (<http://crsreports.congress.gov R46349>). سپس با مشاهده تمرینات مشترک نظامی آمریکا + کره جنوبی به‌صراحت اعلام نمود جهان شاهد یک سلاح استراتژیک جدید خواهد بود. او در واقع، خبر از فصل جدیدی از برسازه‌های سیاسی و بین‌المللی مبتنی بر اولویت سیاست سانگون بر اساس ایدئولوژی جوچه را در چالش‌های کشورش از ۲۰۲۱. م به بعد برمی‌ساخت. کره شمالی در ناباوری ناظران سیاسی و در ماه‌های نخست روی کار آمدن جو بایدن در ۲۶ مارس ۲۰۲۱/۵ فروردین ۱۴۰۰ دو موشک بالستیک را در دریای ژاپن در ۶۰۰ کیلومتری ساحل شرقی خود مورد آزمایش قرار داد. شکل زیر چهره‌ی ماهوی میلیتاریستی کره شمالی را در ارتباط بین سه متغیر نشان می‌دهد. آزمایشات موشکی طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ (به غیر از سال ۲۰۱۸) بی‌وقفه ادامه داشته است و مستمراً توسط شورای امنیت با قطعنامه مواجه بوده

است. در سال ۲۰۱۹ علی‌رغم مذاکرات نزدیک همچنان آزمایش موشکی شدت داشته است. همچنین سه بار آزمایشات هسته‌ای در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به وقوع پیوست.



شکل شماره ۱. جدول زمانی آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی بالستیک کره شمالی

Source: Derived by CRS from various news, scholarly, and government publications.

نتیجه سخن آنکه کره شمالی بر ماهیت ثانوی و روند میلیتاریستی خود اصرار دارد همچنین در فرایند برسازی به‌گونه‌ای وام‌دار پشتیبانی غیرعلنی و نظامی چین به نظر می‌آید؛ اما با این وجود سناریوی آینده روابط بین چین/ کره شمالی نشان از تغییرات ساختاری دیگری – در آینده‌ای نه آن‌چنان دور – می‌دهد؛ زیرا چین با اتخاذ مکانیسم اقتصادمحور جدید خود، با راهبردهای اصلاحی در حوزه اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد جهانی و با کادر رهبری و ریاست دنگ شیائو پنگ چهره و ماهیت تحول‌یافته‌ای از خود به دنیا نشان می‌دهد. از این رو، در مورد تأثیر این فرایند جهانی که چین طلایه‌دار آن خواهد بود دیگر آن تقارن دوجانبه چین/ کره شمالی کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر خواهد شد. پس پیمان‌نامه نظامی و دفاعی چین/ کره شمالی از ۲۰۲۱ م به بعد – در صورت عدم فسخ – جنبه تشریفاتی و اسمی به خود خواهد گرفت و احتمالاً چین به آن به‌عنوان یک ضمانت‌نامه امنیتی صوری نگاه خواهد کرد (Dongjun, 2013: 20). فرایند کنش‌های چین با محوریت ایدئولوژی زدایی، اقتصاد بازار محور جهانی، رویکرد عمل‌گرایانه و اولویت به تولید انبوه و سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل مجال محدودیت را احتمالاً از کره

شمالی بزدايد. پس چشم‌انداز آينده کره شمالی واقع‌شدن او بر سر دوراهی سرنوشت‌ساز خواهد بود: يا فرو کاستن در اصول ماهوی بر سازه شده و تجدید نظر در اصول ایدئولوژیک جوچه برای بار سوم و / یا فرا بردن تهدیدات و توان موشکی بالستیک و هسته‌ای و تشدید فرایند میلیتاریسم.

### نتیجه‌گیری

محقق در این پژوهش در نظر داشت تا جنبش جوچه را به‌عنوان عنصر هویت‌ساز دولت و حکومت کره شمالی مورد مذاقه و بحث قرار دهد تا درک کند آیا این ماهیت در طی عملکرد پنجاه‌ساله‌اش چه تغییر و تحولی یافته است و به‌تبع آن چگونه بر سازه‌های را برای کره شمالی ترسیم و تصویر ساخته است. این مقاله از منظر هستی‌شناسی، هویت و منافع دولت کره شمالی را از منظر سازه‌انگاری مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده است که جنبش جوچه با ذهنیت و ماهیت ابتدایی بر اصول خوداتکایی، خودیاری، استقلال و دفاع ملی بر سازه‌های کره شمالی را در همه ابعاد شکل داد اما و سپس این جنبش به‌صورت ایدئولوژیک در فرایند تکاملی خویش با تغییرات مستمر و بینا ذهنی از دشمن و خویش سیاست راهبردی سانگون را مقدم و اولی بر همه راهبردهای دیگر برسازی نموده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد از منظر ماهوی مفهوم امنیت مفهومی متحول و متمایز در ذهنیت و نیز در نزد کارگزاران دولت کره شمالی بوده است، در نتیجه جنبش جوچه موجب دو بر سازگی متفاوت و غیر مترقبه بر بستری واحد به نام کره شمالی گشته است. همچنین توضیح می‌دهد جنبش جوچه در شکل ایدئولوژیک خود عملاً نتوانست اهداف و اصول جنبش را که مبتنی بر خودبستگی ملی، خوداتکایی، خودمحوری، خودکفایی و خود اختیاری بود را در قامت ماهوی و هویتی کره شمالی بر سازد زیرا نسبت شرایط زمانی و مکانی و نیز ناکارایی در تدبیر امور کره شمالی، کارگزاران و رهبران کره شمالی را در شرایطی دیگر قرار داد به‌گونه‌ای که ماهیتی میلیتاریستی و نظامی و هویتی امنیتی و تسلیحاتی همه‌ی امور سیاسی، فرهنگی، محیطی و اقتصادی کره شمالی را درنوردید و ماهیتی کاملاً مغایر هویت و

ماهیت نخستین و آرمانی برسازه نموده و بر قامت کشور کره شمالی پوشانده است. آنچه باعث این تغییر ماهوی شده است چه بوده است؟ به نظر می‌آید همکاری دوفاکتو و شکننده رهبران ایدئولوژیک کره شمالی با جامعه جهانی به‌ویژه دولت‌های پسامدرن و سطح همکاری آن‌ها، موجب این دو برسازگی بوده است. شرایطی که رهبران ایدئولوژیک کره شمالی را در چارچوب کارکردی دیگر قرار داده است. در این میان تهدیدات متقابل بین کارگزاران دولتی کره شمالی و جامعه و دولت‌های پسامدرن، عرصه‌ی آسیب‌پذیری کره شمالی را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و محیطی و کارآمدی مدیریتی بیشتر و مزید می‌ساخت. همچنین روشن شد که ماهیت خودبسندگی ملی و خودکفا، ماهیت و هویتی بود که هدف اساسی رهبران جنبش جوچه آن را بر قامت کره شمالی می‌خواست. ایدئولوژی جوچه توسط رئیس و رهبرانش، در فرایندی پرفرازونشیب تدبیر امور شد اما چارچوب کارکردی آن پس از پنج دهه ماهیتی امنیتی و میلیتاریستی را بر قامت کره شمالی برساخت و عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و محیطی و اساساً ماهوی کره شمالی را تحت الشعاع و منقاد عنصر نظامی نمود و آشکار ساخت که ساختاری کاملاً متفاوت با هدف اولیه جنبش توسط رهبران ایدئولوژیک برسازی شده است. به نظر می‌آید خودمحوری رهبران ایدئولوژیک، نایب مناب خوداتکایی ملی و خودبسندگی ملی شده است. احتمالاً و شاید همه این‌ها به یک دستاورد می‌آورد و آن اینکه کره شمالی می‌تواند در برابر دشمن یعنی: آمریکا، ژاپن و کره جنوبی ابراز قدرت نموده و این‌گونه کسب هویت و ماهیت نماید!

#### منابع

- خسروی، حسن. (۱۳۹۹). «تحلیل آثار دکترین جوچه بر ماهیت و ساختار سیاسی دولت کره شمالی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، سال ۱۷، شماره ۲ (۶۶)، صص ۲۵-۷.
- سلطان‌پور ابیانه، مرتضی. (۱۳۶۸). *کره شمالی*، تهران: وزارت امور خارجه ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شاهنده بهزاد. (۱۳۷۸). *سیاست و اقتصاد در کره*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

شاهنده، بهزاد. (۱۳۷۸). «بحران کره، تحلیلی به‌دوراز تحلیل‌های متعارف»، *مجله سیاست خارجی*، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز، صص ۷۶۱-۷۴۳.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن، شاه‌مرادی، حسین. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل تعیین‌کننده در توازن نظامی شبه‌جزیره کره»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی*، سال ۱۴، شماره ۴۶، بهار، صص ۵۵-۲۵.

صادق ملک‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۶۶). *وحدت دو کره و عوامل مؤثر بر آن*، رساله ارتقاء مقام، تهران: وزارت امور خارجه ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

عباسی اشقلی، مجید و فرضی، مرتضی. (۱۳۸۸). «چارچوب تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه‌نگاری»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ششم، زمستان، صص ۹۵-۷۱.

قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۴). *اصول روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، تهران: بنیاد حقوقی میزان. کریمی کشه، سعید، قوام، عبدالعلی، موسوی‌زاده، علیرضا، ذاکریان امیری، مهدی، باوند، هرمیداس داود. (۱۳۹۹). «نگاه جامعه‌شناسانه‌ی سیاسی به نگرش قدرت‌های بزرگ به برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال ۳، شماره ۲، (پیاپی ۱۰)، تابستان، صص ۱۳۷-۱۰۵.

مشیرزاده، حمیرا و طالبی ارانی، روح‌الله. (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: نشر میزان.

Chernoff, Fred. (2007). **Theory and Meta-Theory in International Relation: Concepts and Contending Accounts**, Palgrave Macmillan.

Congressional Research Service, Informing the Legislative debate Since 1914, North Korea. (2020). **“A Chronology of Events from 2016 to 202.”**, May 5, 2020, <http://crsreports.congress.gov/R46349>.

De Rochie, Patrick. (2011). **“The Driving Factor: Songun’s Impact on North Korean Foreign Policy”**, International Affairs Review, Vol. XX. No. 1.



- Dongjun, Lee. (2013). **An Uneasy but Durable Brotherhood? Revising Chinas' Alliance Strategy and North Korea**, GEMC Journal, N 6.
- Encyclopedia. (2020). **List of leaders of North Korea**. Retrieved 2020. At: [https://en.wikipedia.org/wiki/list\\_of\\_leaders\\_of\\_north\\_Korea](https://en.wikipedia.org/wiki/list_of_leaders_of_north_Korea).
- Han, S. Park. (2007). **"Military-First Politics (Songun): Understanding Kim Jong-il's North Korea"**, Academic Paper Series, Vol. 2, No 7.
- Inter-Parliamentary Union. (2020). **The Parliamentary System of the Democratic People's Republic of Korea**. Retrieved 2020. At <http://www.ipu.org/parliament/KP>
- Kratochwil, Freidrich. (2006). **History, Action and Identity: Revisiting the Second Great Debate and Assessing its Importance for Social Global Trent 2030: Alternative Worlds**, December (2012), [www.dni.gov/nick/global\\_trends](http://www.dni.gov/nick/global_trends), a publication of the nation intelligence council.
- Lee, G. (2003). **The Political Philosophy of Juche**. Stanford Journal of East Asian Affairs. 3(1), 105- 112.
- Miyeong, Jeon (2009). **"The Kim Jong-il Regime's", Military-first Politics**", Structure and Strategy of Discourse", The Review of Korean Studies, Vol. 12, No. 4.
- Murray, L. (2020). **Korean Workers' Party: Political Party, North Kora**. In: Encyclopedia of Britanica, Retrieved 2020. At <https://www.britannica.com/topic/Korean-Workers-Party>.
- Nami, M. (2006). **Geography of North Korea**. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces.
- Oberdorfer, D. (1997). **The Two Koreas: a Contemporary History**, Reading, Mass: Addison-Wesley.
- Shahmoradi, H. Sheikh Al-Islam, M.H. (2018). The Comparison of Political Structure and Relevant Approaches to Unification in South and North Korea. **Journal of Political and International Researches**, 9(34), 308-332.
- Trifoi, B. (2017). **Kim was Korea and Korea was Kim: The formation of Juche Ideology and Personality Cult in North Korea**. FIU Electronic Theses and Dissertations, 3275, at: <http://digitalcommons.fiu.edu/end/3275>.
- Tudor, D. Pierson, J. (2020). **Against Development: What Happens Under Pyongyang?** Translated by M. H. Baghi. Tehran: Amin-al-zarb.

- United States Department of Defense (2013). “**Military and Security Development Involving the DPRK**”, Annual Report to Congress, Washington.
- Wendt, Alexander. (1992). **Anarchy is what States make of it: The Social Construction of Power Politics**, International Organization, and Vol1. 46, No. 2. Pp 391-425, 330-331.